

هوالستوان

کتابی مکمل کتاب حمله حیدر کروlique هزار فرع باذل صاحب

المخفرة در پیش حالات خضرات اممه معصومین علیهم السلام و مهدو



منصنيف شاعر شیرین کلام سخنور عالیمت امام
سید پندت علی صاحب مرحوم بلگرامی مخلص بی حیدر
دہماد

فہرست مضمون کتاب حملہ حیدر

صفحہ	مضمون
۱	دور توجیہ حضرت پاری تعالیٰ۔
۲	ورثا جات بدرگاہ حضرت و اہل طیات عز اسمہ۔
۳	و رفت سید المرسلین و خاتم النبیین حضرت احمد مجتبی رحمۃ اللہ علیہ وآلہ وسلم۔
۴	و ذکر صراحت حضرت سید کائنات فخر موجودات علیہ افضل اصلوۃ والکمال الحنیفات۔
۵	و بیان فرمودن حضرت امیر علیہ اسلام حکایت شب صراحت؛ صرف برداشتن بیو دی وران بجمع و دیدن تجسس بِ انکار و ایمان آوردن بعد نہ دامت باخرا کار بخدرست حیدر کار فی صحیح حضرت خدیجہ بنت اکبری رضی اللہ تعالیٰ عنہما۔
۶	و زنبقت پیغمبر الدین و امام المتقین و مسیح سید المرسلین حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات اللہ علیہ سے۔
۷	و من حضرت فاطمۃ الزہرا بتوں خدا را صلوات اللہ وسلامہ علیہما و بعدهما و ابیہما و انبیہما۔
۸	و مناقب فخر الامام امام الہام سطیین حضرت رسول کرام و امام ابن الامام حضرت زین العابدین و باقی ائمہ علیہم السلام۔
۹	و سبب تالیف کتاب۔
۱۰	و روح وزیر الملک وزیر ابن الوزیر شجاع الدولہ بہادر۔
۱۱	آغاز و استان شہادت حضرت امیر علیہ اسلام۔
۱۲	وزیریان غرض فرمودن حضرت شاد دین بعرفت مار قبیں بہت غیریہ فاسطین و بیو غافلی کردن کوفیان لعین۔
۱۳	و سوال فرمودن مرقصیسے بمحاب حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین و شنیون چواب پا صواب۔
۱۴	و بیان روایہ شدن حضرت امیر از نہروان بہت گوفہ و اجازت خواستن ابن مجتبی برسائیہن مژدوء فتح بکوفیان و ماصور شدن و آخرا کار عاشون شدن آن ملعون برخط نہ مظوہ نہ۔

مخصوصون

صیغه

۲۰

در بیان راوی اسم ابن مجتبیین شوسم و آن من او خبر داشت امیر و نور کفران شیر دست زدن که حکم برداشت

۲۱

در بیان سمع شهن ابن مجتبیین با ترک بن عبد الصدوق عموں بکرسند و محمد بن آن سبزه زاده قفق
حضرت امیر علی پس از معاویه و عمر عاص پداس است -

۲۲

در بیان رسیان عمر بن بکرسند پس جب عمار خود را در قصر باراده قتل عمر عاص و پنه آمن آن روز عمر عاص
وزیر شده بزدن بجا ایش بخارجه -

در بیان شمشیر زدن ابن مجتبیین بدین بر فرق حضرت امیر المؤمنین حضرت علی علیه الصلوٰۃ والسلام -

۲۴

در بیان روایت کردن سعید بن عبید الدین -

در بیان سوال کردن یکی از علماء یهود از حضرت امیر علی پس از جواب یافتن مسلمان شدن -

در روایت صحیح نباشد -

در روایت کردن هفید و دیگر راویان -

در روایت باسناد دو گیر از امام مومنی

در روایت از سید رضی علیه السلام -

در روایت از قرآن جیب السیر -

۲۸

در روایت کردن با قرآن مجتبی و شیخ مغید و طوسی رحمتہ اللہ تعالیٰ علیہم از حضرت امام حسن علیہ السلام

در بیان روایت از حضرت ام کثوم علیہ السلام -

۲۹

در بیان روایت دیگر در باب زخم زدن بر سر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام شیث بن دهره
و ابن مجتبی ناجام -

۳۰

در بیان روایت از جناب جعفر صادق علیہ السلام بحسب شاد حضرت رسول حنفی اصلی

والله و سلم انجپ شب سراج بر پنجه فلک دیده بود -

۳۱

در بیان روایت از احوال پر دلال ابن مجتبیین بدین از زبان راهب گمن سال که مسلمان شده

۳۲

در بیان روایت در سیلاخ حضرت امام حسن علیہ السلام از شیخ مغید و طوسی رحمتہ اللہ
تعالیٰ علیہم -

۳۳

در بیان احوال خلافت حضرت امام حسن مجتبی بسط اول محمد عطی اصلیم -

۳۴

روایت در ذکر دصی کردن حضرت علی علیه السلام حضرت امام حسن علیہ السلام را سپری ماند در نجف

صفحه

مضمون

۴۶	در بیان سچره که از حضرت امام حسن علیه الصلوٰۃ والسلام بوجب خواستن زبردست نموده -
۴۷	در بیان دعاکردن حضرت امام حسن در فرج زمان وبدینداد -
۴۸	در بیان کردن حضرت امام حسن از سعیرات خود و منکر شدن مردم شاهی و مسئل شدن بصورت زن -
۴۹	در بیان روایت کردن ابن طاووس از امام پنج -
۵۰	در بیان روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوٰۃ والسلام -
۵۱	در بیان روایت از امام هشتم علیه الصلوٰۃ والسلام -
۵۲	در بیان روایت از باپویه رضی اللہ عنہ -
۵۳	در بیان روایت دیگر از باپویه علیه از حسره -
۵۴	در بیان روایت از حضرت علی ابن موسی رضا علیه السلام -
۵۵	در بیان روایت از حضرت طوسی پاکزاد -
۵۶	در بیان روایت از راوی مستبر -
۵۷	در بیان روایت از راوی با ادب رحمۃ الرحمہ علیہ -
۵۸	در بیان روایت کردن سرافراز قلم از حضرت امام صادق علیه الصلوٰۃ والسلام -
۵۹	در بیان بوجب اعلام عمر عاص حاکم شام بدایح امام شجاع حضرت امام حسن علیه السلام تحقیف خطیب کردان -
۶۰	در بیان روایت کردن صغار و کبار از حضرت صادق علیه صادق علیه السلام -
۶۱	در بیان سوال کردن مردیوری داشتارے را از حضرت امام حسن علیه الصلوٰۃ والسلام و جواب دادن حضرت امام حسن علیه السلام -
۶۲	در بیان روایت کردن خذیله از حضرت رسول صلی الله علیہ وآلہ وسلم -
۶۳	در بیان روایت کردن خذیله از حضرت رسول صلی الله علیہ وآلہ وسلم
۶۴	در بیان روایت کردن باپویه قمی -
۶۵	در بیان روایت از حضرت الشهداء رباب گزاردن نماز حضرت امام حسن علیه الصلوٰۃ والسلام -
۶۶	در بیان حمل حضرت امام حسن علیه الصلوٰۃ والسلام -
۶۷	در بیان روایت دیگر در اخلاق حضرت امام حسن علیه السلام -
۶۸	در بیان روایت از شخص موسنے در توصیف حضرت امام حسن علیه السلام -

مضمون

۵	روایت از شیخ مفید و محمد رحمۃ اللہ علیہما دریاب رحلت حضرت امیر عبیدیہ اسلام و آمن فحسب نداشت برای حسن و بیعت نودن خانس و عاصم و عذر کردن حاکم شام بدانجام و تفرقه اندختن دلشکر امام بارسال زر و وعد و عید تمام.
۶۰	در بیان خطبہ خواندن حضرت امام حسن علیہ السلام و فرستادن مردم راوی نزادی پردهم حاکم شام
۶۱	در بیان خطبہ خواندن کمر حضرت امام حسن علیہ السلام و تعین کردن ابن عباس و قیس ابن عمه را بازدید هزار سوار.
۶۲	در بیان نامه نوشتن حضرت حسن امام بحاکم شام بدانجام.
۶۳	در بیان پنبر برآمدن حضرت امام حسن علیہ السلام و خطبہ خواندن شنیل برحدائقی ولعنت حضرت رسالت پناہی و پیغمبر پیغمبر علیهم السلام چون مادر خود از سرحد و سلسله خیانیان مطلع شدن با امام حسن علیہ السلام.
۶۴	در بیان شفعت شدن سعی در بیان حضرت امام حسن امام زمان و معادیه عین بد دین و بعد محمدی دن آون سکار پر کردن.
۶۵	در فکر ملاک حضرت امام حسن علیہ السلام معاویه محسون و تدبیر پاکردن و فکر باگنجان و زهر و پانیدن.
۶۶	در بیان آمدن حضرت امام حسن علیہ السلام از موصل بشیر و زهر و پانیدن مردان بوجب لغته معاویه و بد لای فرستادن ایسو نیه و لا الہ را پیش چشیده بنت اشعت زن حضرت امام علیہ السلام در تجویز شدن و از مدنه بیول زن جنت تفرج طبع در سنج بر سنج افزودن.
۶۷	در بیان فرست یافتن حضرت امام حسن علیہ السلام در شهر موصل و از انجاع عزم نودن بشیر و زهر رخیق اسما طعونه و رکوزه آب و ملاک شدن حضرت امام حسن عالیجانب از خوران آب.
۶۸	در بیان بردن حضرت امام حسین علیہ السلام جازه حضرت امام حسن بر صفت حضرت رسول صلیم و مانع شدن عائشہ از دفن حسن بصلیح مردان بے ایمان و منع جنگ شدن مردانیان و زدن تیرها پیش حضرت امام حسن و بازگردانیدن لغش همراه را از انجاو آوردان در یعنی و دفن کردن بقصد در دو محن.
۶۹	در بیان بعد شهادت حضرت امام حسن علیہ السلام مردان محسون از عالی جدیده طعونه اندیشه کردن و گریخته گردانیدن او را او فرستادن بیشتر.

صفحه

مضمون

- ۸۱ در بیان آمدن معاویه یعین از شام بارا دوچی بشرب واستقبال کردن سکنای شهر و بروان نه آمدن قریش والنصار و پر یشم شدن آنگه بید کردار.
- ۸۲ در بیان منادی کردن حاکم شام در باب گفتن فضائل حضرت علی علیہ السلام و حاکم بصیره و کوفه که زیاد بپساد را.
- ۸۳ در بیان تامین نوشتن حاکم شام بداجام بعدها ان هر مقام در باب پد محمد تمدداً شتن شیعیان علی و گرامی داشتن و استدان عثمان بن عفان.
- ۸۴ در بیان فرستادان معاویه یعین بشیر ابن ارطاء را در حجاز که شیعیان حضرت علی را پرسی آوردند
- ۸۵ در بیان روایت کردن طوسی رحمه الله علیہ از حسن بصری.
- ۸۶ در بیان آمدن مسادیه بید بند و طلبید اشتن عایشه را بطریق ضیافت بنزیل خویش و حضر کردند چاه و در آمدن عائشه در چاه و انبیاشتن چاه را.
- ۸۷ در بیان وصیت کردن معاویه یعین در وقت نزع روان بجزیره بیانی ایمان در بیان تغییل و تغییق تغییز خود و کروحیله یادداون پر بیعت گرفتن از عمر عاص.
- ۸۸ و استان در حمد و لعنت سید کائنات صلعم.
- ۸۹ و استان در ذکر ولادت با سعادت حضرت امام حسین علیہ الصلوٰۃ والسلام که امام سوم سنت برآمده
- ۹۰ در روایت از راویان تسبیه در باب نهادون شیر به حضرت حسین ره و انتظار کردن بعد از علی اتفاق نزدیق
- ۹۱ در روایت از متوجه غیر رحمه الله علیہ و رباب آمدن جبریل جست تغییت ولادت امام حسین علیہ السلام
- ۹۲ روایت از کثرا الفراشب و آمدن اخراجی در خدمت حضرت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وسلم علیه و آله.
- ۹۳ آمدن معاویه در شیرب چست گرفتن بیعت برای نزدیکی پسر از اهل آن دیار و را با کردن حضرت امام حسین علیہ الصلوٰۃ والسلام و عبد الرحمن و ابن زیر و عبد الصدیق بن عسکر در وانه شدن هر چهار
- ۹۴ بیت از اکرم امام را.
- ۹۵ مجلس آرکستان حضرت امام حسین علیہ السلام در خانه خود و پر فبرآمدن و خطبه خواندن در بیان کردن آمیخت قرآن مجید که در شان امپیت نازل شده بود.
- ۹۶ تامه نوشتن نزدیکی پسر امام را میدانیتیه حاکم شیرب در باب بیعت گرفتن از امام حسین و غیره چهار تن.

مضمون

- ۹۹ نوشتہ و پیشہ بن عقبہ رقہ بحضرت امام حسین علیہ السلام و مندرج کردن مضمون نامہ زیرینه
داکاہ شد ان حضرت امام حسین دروانہ شدن بروفہ جذب خوش رسول اللہ علیہ السلام -
- ۱۰۱ عصر مروانی کردن حضرت امام حسین از مدینہ بطرف که و پیش آمدن برادر شر محمد بن
حسنیفہ و عرض کردن و نوشتہ سخنہ سے متrown به صلاح و شنیدن حضرت امام حسین و
وصیت نامہ نوشتہ و بہ محضیں نہیں داون -
- ۱۰۳ روانہ شدن حضرت امام حسین از مدینہ بہ سمت که و ملاقو شدن و مائتے را و عبد الله
ابن مطیع و سخنہ سے صدحت لفتہن -
- ۱۰۵ آگاہ شدن کو فیان لعین از سقدم حضرت امام حسین بہ کم معلمہ واجل ع کردن پیش قاضی
شرع و ناما نوشتہ بخدمت امام علیہ السلام -
- ۱۰۶ فرستادن حضرت امام حسین علیہ اسلام از قبل خود حضرت مسلم را بطرف کوفہ نوشتہ حواب
نامہ اے کو فیان -
- ۱۰۷ رسیدن حضرت مسلم عقیل بہ کوفہ و آگاہ شدن نعمان ابن بشیر حاکم کوفہ و برآمدن میجہد
واحصار کو فیان و خطبہ خواندن و عبد الله ابن مسلم مروو نامہ نوشتہ بریزیہ متفہمن برسیدن
مسلم بکوفہ و مستقی نعمان ابن بشیر و طلب کردن انجایش حاکم شرپ و فرستادن زیرینی
ابن زیاد را بہ کوفہ -
- ۱۱۰ خبر رسیدن بحضرت مسلم عقیل از آمدن ابن زیاد بہ کوفہ و برآمدن از دارختار و فتن
بنخاہ بہانی بن عودہ و نقل کردن ابن زیاد مرہانی را -
- ۱۱۲ آگاہ شدن حضرت مسلم عقیل از مشادات بہانی بن عودہ و بہ غصب برآمدن از خانہ بہانی بارا وہ
تمال و بیو خانی کردن کو فیان -
- ۱۱۴ بچش آمدن پسر محمد از قتل پدر و برست گرفتن تیخ از غصب و آویختہ باشامیان و از اخض
درست تھیز بکوشک و ارا الامارہ و شمیہ شدن آخر کار از ظلم کفار و رشکار -
- ۱۱۶ آگاہ شدن مسلم ابن عقیل از قتل محمد کشیر و پیش و برآمدن بہ شب بارا وہ بطيحا و نایافتن گزارہ
دو رسیدن صحیح و پناہ بردن پسند شکستہ و باز برآمدن بہ شب از انجاو رسیدن پیش زن طوع
نامہ و طلب کردن شربت آب ازان مورثہ و پرسیدن او از نسب و بردن بخانہ خود و اسیر آن

پیش این زیادا ز جاسوسی پسران بد نهاد آن نن پاک اعتقاد و قتال شدند حضرت مسلم
نیک نهاد.

۱۲۳ خبر رسائیں کو فیان بنداد با بن زیاد بی میباشد که دو فرزند حضرت مسلم این عقیل درین
شهر نہادن اندو منادی کردن آن مرد و دو بست آوردن هر دو برادر او سپردن مشکوک
زندان بان و گذاشتند مشکوک مر هر دو شاهزاده را جست رضامی رسول خدا اصلحهم.

۱۲۴ کم کردن طفلان مسلم راه را بردارد یک رو بوقت صبح در خراسانستان به جوف درخت گشته نهاد
شدن و آمدن جبار یعنی جسمی برآسے آب و دیدن ایشان را و پردن پیش بی بی خود بخواه
واشتن آن مومنه مر ایشان را و نهاد و اشتن این را زار شوهر پیش خود.

۱۲۵ خبر را فتن این نشاید بد نهاد که مشکوک رزندان بان هر دو شاهزادگان یعنی پسران مسلم عقیل را
آنرا کرد و گذاشت و مشکوک را سلاطی کردن و جان دادن مشکوک به محبت
آل پیغمبر.

۱۲۶ نگاه و اشتن آن مومنه پاک طفلان مسلم را بصد احتیاط ام به خانه خود و آمدن شوهر شر
حارت لعین و وقوف یافتن برین ماجرسا اب سبب زاری آن تیکان و بست آوردن
حارت لعین ایشان را و قتل کردن زن و غلام و پسر خود را و پرین سر هر دو برادرین
پیش پسر زیاد بی نهاد.

۱۲۷ درون حارت لعین سر رای هر دو طفلان مسلم پیش پسر زیاد به توقع خلعت و اسپ و سیم
و یافتن جز اسے کرد و از خود آن شعیت ہذشان.

۱۲۸ نامه از اشتن مسلم عقیل بجهت حضرت امام حسین از رسیدن خود بکوفه و سجیت کرفت آن
واشتنیاق قدر و مر آن حضرت که کو فیان واشتن آگاه گردانیدن و عازم شدن امام حسین
پر کوفه و منع کردن این عیا وغیره.

۱۲۹ جمع ساختن حضرت امام حسین اعوان و انصار خود را و ترتیب و اوان محاصل جست سواری
حرم محترم خود را نہ ملن بکوفه و خبر رسیدن بمنزل اول از شهادت مسلم این عقیل.

۱۳۰ خبر رسائیں جاسوس با بن زیاد بد نهاد از کوچ حضرت امام حسین از مکہ پسخت کوفه و تعمیر
واشتن این زیاد هر بن بزید الریاحی را بجمیعته بسیار بزرگ فتن راه آن شہنشاہ.

مضمون

۱۴۶	رسیدن حضرت امام حسین علیہ السلام پرست کر طبا و استاده شدن اس حضرت امام و پریسیدن نام آن خدا و خوبی سما کر دن و فرو و آمدن -
۱۴۷	شنبیدن ابن زیاد بزنا و درود حضرت امام حسین علیہ السلام بکر طبا و نوشتن نامہ بخوبی امام حسین علیہ السلام -
۱۴۸	فرستادن ابن زیاد بزنا و نکسر سعد بن مباید را بجهت حرث حضرت امام حسین علیہ السلام و آمدن عمر سعد با فوج مشیمار و کر طبا -
۱۴۹	اجازت خواستن بر بر ابن حصیر از حضرت امام حسین علیہ السلام و فتحن پیش عمر سعد و خط کردن و پنڈ لفتن آن بزمدار و سودنه کردن و ناخوشش باز آمدن آن دنیدار بخدمت حضرت امام حسین علیہ السلام بخط اتم مختار -
۱۵۰	تا خیر کردن عمر سعد در برابر حضرت امام حسین علیہ السلام و برگشتن سپاہ امام چاہ و برآمدن آب و سیراب شدن لشکر و رسیدن ابن حر را ابن زیاد بکوفه و نامہ نوشتن بخدمت امام آن شمعی پرانجی مهر و مستود شدن ابن سعد در آخر روز ربا سے کارزار بامکنگی با روشنیت خواستن امام زمان از رو نمایش بوجده اکراہ آن گمراہ قبول داشته و مملکت دادن -
۱۵۱	از احجاز حضرت امام علیہ الصلوٰۃ والسلام انجیه در کر طبا ہرشد -
۱۵۲	روز بروگر علی السباح سوارہ آمدن عمر سعد جہت قتال با حضرت امام حسین علیہ الصلوٰۃ والسلام و امام علیہ السلام نیز با فوج خود مستعد شدن بمحبک وجدال و اندھن عمر سعد بی نبیاد تیر بطرف حضرت امام علیہ السلام -
۱۵۳	سبارت و شہادت حضرت حرب بن زید ار رایحی علیہ الرحمتہ والغفاران -
۱۵۴	سبارت و شہادت صعب برادر حرب بن زید ار رایحی علیہ الرحمتہ -
۱۵۵	سبارت و شہادت علی ابن حسرو ابن زید ار رایحی علیہ الرحمتہ -
۱۵۶	سبارت و شہادت عزیز علام علی پسر حرب علیہ الرحمتہ -
۱۵۷	کلام ہم ہمیت انجام حضرت امام علیہ الصلوٰۃ والسلام بعد از شہادت شہید اول حر ابن زید ار رایحی و برادر و پسر و غلام حکم الدین تعالیٰ بگروہ لیام اہل ظلمت و ظلام -
۱۵۸	سبارت و شہادت زہیر ابن حسان علیہ الرحمتہ والغفاران -

مضمون	صفحة
١٦١ مبارزت وشهادت عبد الله بن عمر كوفي عليه الرحمه والغفران .	
١٦٢ مبارزت ببريسا حب الزيد والرفقان باذلة ليعنان .	
١٦٣ مبارزت وشهادت وحب كوفي نزد اماد از وست سکاران بزادر .	
١٦٤ شهادت عمر بن خالد عليه الرحمه .	
" شهادت خالد بن عمر عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت سعد بن حطشه عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت عمرا من عبد الله عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت جادانش عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت وفاص وشهريخ بصير .	
١٦٥ مبارزت وشهادت سلم عوجي اسدى عليه الرحمه .	
١٦٦ شهادت پسر سلم عليهما الرحمه والغفران از وصیت مادر هربان .	
" مبارزت وشهادت هلال ابن نافع عليه الرحمه .	
١٦٧ شهادت عبد الرحمن بن عبد الله عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت يحيى ابن أليم وعبد الله بن سمه .	
" شهادت مالك بن انس عليه الرحمه .	
١٦٨ شهادت عمر بن مطران عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت قيس بن سنده عليه الرحمه .	
١٦٩ حالت جلاوت ومبرازت وشهادت هاشم بن قسيه وفاص وبقى از مقالات او با پیشش عمر لعین حق ناشناس وشهادت فضل على ونه تن وگر از اصحاب .	
١٧٠ حالت جلاوت وشهادت جعیب ظاهر عليه الرحمه .	
١٧١ مبارزت وشهادت حر با حریر عليه الرحمه من العدد القدير .	
١٧٢ مبارزت وشهادت زید وهاجر عجمي عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت امیر سهل ابی عليه الرحمه .	
" مبارزت وشهادت عابس شیث عليه الرحمه .	

صفحہ

مصنفوں

۱۸۶	مساڑت و شہادت حجاج بن سرور جفی مودع علیہ الرحمہ۔
"	مساڑت و شہادت سیدت بن حارث و شہادت مالک علیہ الرحمہ والمعافان۔
۱۸۹	مساڑت و شہادت ترکی علماء شاہزادہ زین العابدین۔
۱۹۰	مساڑت و شہادت مالک ابن انس رحمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت حضطرہ ابن سعد رحمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت یزید بن زیاد علیہ الرحمہ۔
۱۹۰	مساڑت و شہادت عبد الرحمن بن سعد
"	مساڑت و شہادت جبارہ ابن حارث رحمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت عمر بن خبادہ رحمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت مرہ کہ معروف بابن ابی مرہ بوذرجمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت محمد ابن مختار و عبد اللہ محمد بن سلم رضی اللہ عنہ۔
"	آخر سیدن رفیقان و انصار رفوبت پو خولیشان رسیدن و آہ جانسوز از سینہ بی کیستہ امام عالمیت حامی برآمدن و فاطمہ اوری برادران کردن اول کسیکہ سبقت کرو عبد اللہ ابن سلم رضی اللہ عنہ۔
۱۹۵	مساڑت و شہادت جعفر ابن عقبیل رحمہ اللہ۔
"	مساڑت و شہادت عبد الرحمن ابن عقبیل علیہ الرحمہ۔
"	مساڑت و شہادت محمد ابن جعفر طیار رضی اللہ عنہ۔
۱۹۴	مساڑت و شہادت عون بن عبد اللہ ابن جعفر طیار رضی اللہ عنہ۔
"	ما تم سراشدن زمین وزمان و نوبت بال امام حسن رسیدن و مساڑت و شہادت عبد اللہ بن امام حسن علیہ السلام۔
۱۹۶	رسیدن عبد اللہ ابن حسن در آنے کے کارزار بزرگیب عمر سعد نامنجاہ و فراری شدن آن ملعون و شماخت بختی مراد را و فتن بایان صد سوار بچک عبد اللہ بن زمار۔
۲۰۱	قصہ پر غصہ مساڑت و شہادت شاہزادہ مومن قاسم ابن حسن علیہ الصلوٰۃ من اللہ علیہ السلام۔
۲۰۱	مساڑت و شہادت ابو بکر ابن علی علیہ السلام۔

صفحہ

بصیرت

- ۲۰۴ مبارزت و شهادت عمر ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۰۵ مبارزت و شهادت عثمان ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۱۰ مبارزت و شهادت عون ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۱۱ مبارزت و شهادت جعفر ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۱۲ مبارزت و شهادت عبد اللہ ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۱۳ مبارزت و شهادت و حبادت عباس ابن علی رضی اللہ عنہ۔
- ۲۱۴ مبارزت و شهادت علی اکبر ابن امام حسین علیہ السلام۔
- ۲۱۵ شهادت شاہزادہ کوئین علی اصغر ابن امام حسین علیہ السلام و السلام۔
- ۲۲۱ شناویکیں ماندن حضرت امام حسین بسط دو مر رسول لشکریں و ملاحظہ آن حالت باوجود بیماری و ملاحت غرض سیدان زم کردن حضرت علی زین العابدین و بازادردن حضرت امام حسین از میدان ووصی خود کردن و فوج رسول سپردان و بعد از آن نبات خود غصم سیدان کردن۔
- ۲۲۲ روایت از فور الاممہ۔
- ۲۲۳ دگر بارہ آمدن بسیدان حضرت امام زمان و طلب کردن مبارزہ از شکر کوفیان و شربت شهادت حشیان۔
- ۲۲۴ در آمدن شمر عین با فوج کوفیان بسیدین دخیلہ اہل حرم محترم و غارت کردن مال و اسباب و اسیر کردن مخدرات عصمت قیاب مع آل عبا و روانہ کردن بثام۔
- ۲۲۵ داستان خولی عین و نہادن سر حضرت امام حسین علیہ السلام و تنویر خانہ خود پوشاکیده از زن خوبشتن۔
- ۲۲۶ داخل شدن عمر سعد بن نہاد با سر ہائے شہدا بکوئشہ۔
- ۲۲۷ روانہ شدن شہزادہ حیر و محنت و خیر کفار مع سرا امام علیہ السلام و دگر سرپائی شہدا از کوفہ بست شام۔
- ۲۲۸ سجزہ کہ از سر مبارک حضرت امام حسین علیہ السلام بجان سر زده بخلافہ آن سمجھی ناصلہ یہودی مسلمان شدہ چنگ پویستان او با کو فیان و مشرب شهادت چشیدن۔

صفحه

مضمون

- ۲۴۸ رسیدن شکر مر سعد مع سرهاي شهدابنزوکب سوچل و پيغام فرستادن به سردار صرسيل
باشه پيشواي خود و آراستگي مقاوم و كيفيت نقطه شهد.
- ۲۴۹ روايت قصه شيرين و گريشن او در ما تم امام حسین عليه الصلوه والسلام.
رسیدن عمر سعد بدنها و با سرهاي شهداب شهری که منصور نام سردار آن مقاوم
پود و خوشی کردن آن مرد و دوافتدان بر ق و سوختن نيمه شهر.
- ۲۵۰ روز دگر رسیدن شکر شام با سرهاي شهداب سرماصم عليه السلام در شهر نئے که سليمان
يوسف سردار بود و سرگذشت آن.
- ۲۵۱ قصه شيرين گنيزك آزاد کروه امام حسین و مسلمان شدن غربين هارون یهودی
بوجب ثابت موسى دهارون و مکاح کردن با شيرين.
- ۲۵۲ روايت از خوف و کشف و گرامات سرماصم عليه السلام.
- ۲۵۳ روايت از سعید و شفی و کيفيت آن.
- ۲۵۴ ده بیان خوشنی کردن یعقوب حاکم عقلان از دین سرهاي شهداب قصه ریز خومن او
و ده بیان رسیدن عمر سعد و شهر عليه اللغة مع سرماصم و سائر شهداب شهر و مشق شادی
- ۲۵۵ کردن پرید پرید و آرائش شهر خودون.
- ۲۵۶ داخل شدن سپاه زید مع سرهاي شهداب که جلو و اهرم در گونک زید ربه لطفر زید
ده آورن سرهاي.
- ۲۵۷ قصه تاجر یهودی که بر وزمانه سرهاي شهداب محابس زید شد و باز پرید سپاه شه
کردن مسلمان شده به قتل رسید.
- ۲۵۸ طلبيكتن زید پرید پر دگيان حرم امام عليه السلام را و پيش آمدن زينب و
امه کلنثوم مع زين العبا و عليه السلام.
- ۲۵۹ لفتن زير بآمام زين العابدين که حاجت خواه تا بر آرم و طلب کردن امام مقائل
يد خود را و فرمادن زير پرید.
- ۲۶۰ روايت از لکن از راس و قصه پر عصمه و خدا امام حسین عليه الصلوه والسلام.
- ۲۶۱ خلاص یافتن هال خبا و اهل حرم از زید زير پرید و آمدن از شاهم به که جلو و ما تم الأربعين

مضمون

صفحه

- و بعد آن بعد نیمه رو آن داشدن -
- ۲۵۸ رسیدن امام زین العابدین سعی انجام داد و در نیمه و فرستادن بشیر بن عبد الله را پیش بیش بزرگ دین خبر و حوصل خود بشیر مرثیه و پرآمدن مردم پس استقبال و توحید و ماتم گردان -
- ۲۶۰ داستان احوال ولادت با سعادت حضرت امام علی بن شب زین العابدین بن حضرت امام حسین شیخ الربط که او امام حب ارم است صلوات الله علیہ و آله و سلم و را بنا نهاده پدر خود بیهوده دیده بود -
- ۲۶۱ روایت از حضرت شهر باجو که رسول صلی الله علیہ و آله و سلم را بنا نهاده پدر خود بیهوده دیده بود -
- ۲۶۲ روایت از کشف الغمہ در باب العابد حضرت زین العابدین علیہ السلام -
- ۲۶۳ روایت از کتاب شوالہ در باب بحث امامت از امام زین العابدین و عیش محمد بن حسن شفیعه بیان آمد -
- ۲۶۴ داستان خروج کردن فتحار و قتل گردن حمزه علیہ المغافل و العذاب -
- ۲۶۵ وفات کردن و شهید شدن حضرت امام زین العابدین -
- ۲۶۶ در احوال حضرت امام محمد باقر علیہ السلام -
- ۲۶۷ معجزات حضرت امام محمد باقر علیہ السلام -
- ۲۶۸ روایت دیگر در صحیحه حضرت امام محمد باقر علیہ السلام -
- ۲۶۹ روایت از امام جعفر صادق در احوال خصوصت زید بن جنی ثقی و گواهی ولادن کادر و شنگ و شجر بر امامت امام باقر -
- ۲۷۰ ذکر شهادت و سبب شهادت امام محمد باقر علیہ السلام -
- ۲۷۱ در احوال حضرت امام جعفر صادق علیہ الصلوٰۃ والسلام از ولادت تا شهادت سر
- ۲۷۲ روایت از راوی معتبر -
- ۲۷۳ روایت از ابن طاووس علیہ الرحمه -
- ۲۷۴ روایت از راوی نیکنام هم شنگ انجام -
- ۲۷۵ روایت از محمد اسكندری صاحب منصور خلیفه -
- ۲۷۶ احوال شهادت و سبب شهادت حضرت امام جعفر صادق صادق علیہ الرحمه -

صفحه

مضمون

۱	ذکر احوال ولادت با سعادت حضرت امام موسی کاظم که امام هشتم حست علیه السلام شفیع آن امام علیہ السلام.
۲	ذکر احوال حمیده معیده و تزود پیر صادق علیہ السلام.
۳۸۰	روایت از شفیع رضی الله عنہ.
۳۸۱	روایت از علی بن سبب در احجاز موسی علیہ السلام.
۳۸۲	در بیان صفت عنوان شهادت امام موسی کاظم علیہ السلام.
۳۸۳	در احوال امام علی بن موسی رضا علیہ السلام که امام هشتم حست صلوٰۃ اللہ علیہ.
۳۹۰	روایت در احجاز آن سید جو براز کو فی حست بر.
۳۹۱	روایت از راوی معتبر در احجاز امام رضا علیہ السلام.
۳۹۲	روایت دیگر از راوی بحقه اور احجاز امام رضا علیہ السلام.
۳۹۳	روایت از محمد بن فضیل رضی الله عنہ.
۴۹۵	احوال پر ملال وصال حضرت امام علی رضا و سبب و واسطه شهادت.
۴۹۶	روایت دیگر از راوی با رویی نسب در باب وصال حضرت امام علی رضا علیہ السلام.
۴۹۷	در اول حضرت امام نقی علیہ السلام که او امام هشتم حست صلوٰۃ اللہ علیہ.
۴۹۸	ذکر صحبت حضرت امام محمد نقی علیہ السلام از شوارد.
۴۹۹	روایت دیگر در احجاز حضرت امام نقی علیہ السلام.
۵۰۰	وحالت پر طلاقت شهادت حضرت امام محمد نقی علیہ السلام و سبب و واسطه آن.
۵۰۱	در احوال حضرت امام علی نقی علیہ السلام که او امام هشتم حست صلوٰۃ اللہ علیہ.
۵۰۲	روایت از حامی در احجاز امام علی علیہ السلام.
۵۰۳	در بیان احجاز امام نقی علیہ السلام و فرسودن دو اشخاص باختن متخل.
۵۰۴	روایت در احجاز حضرت امام علی نقی غلب پادی علیہ السلام.
۵۰۵	ذکر شهادت حضرت امام علی نقی علیہ السلام و سبب شهادت.
۵۰۶	بعد ذکر امامت حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام که او امام یازدهم حست.
۵۰۷	بیان روایت در احجاز امام حسن عسکری علیہ السلام از محمد ابن علی.

صفحه

مضمون

۳۱۸	بیان روایت دیگر در اعجاز امام حسن عسکری علیه السلام.
۳۱۹	بیان روایت سوم در اعجاز حضرت امام حسن عسکری -
۳۲۰	روایت چهارم در اعجاز حضرت امام حسن عسکری -
۳۲۱	روایت پنجم در معجزه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام.
۳۲۲	داستان وصال حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و سبب وفات و شهادت در حضرت پدر و گار فدا و اجلال -
۳۲۳	داستان ولادت باسعادت حضرت صاحب الامر محمدی هادی علیه السلام که امام دوازدهم است -
۳۲۴	در بیان نسب حضرت زریس خاتون مادر حضرت امام محمدی هادی علیه الصلوٰۃ والسلام -
۳۲۵	روایت در ذکر ولادت باسعادت حضرت امام محمدی آخر الزمان علیه السلام -
۳۲۶	دراحوال غیبت صغیری و غمیت کبری حضرت امام محمدی هادی علیه الصلوٰۃ والسلام -
۳۲۷	داستان دراحوال حضرت زید شیعه بن حضرت امام علی زین العابدین و نسب مادر آن شاهزاده پاک دین ولادا و -
۳۲۸	در بیان آمدن زید و محبس هشام و سوالات گردن آن نافر جامن از زید عالمیقا و وجواب سوال شنیدن ازان مقبول انام -
۳۲۹	در ذکر زریس و حضرت زید شیعه داشحال شهادت بر اسر سعادت و کیفیت قتال و جدال -
۳۳۰	دراحوال صحیحی این زید شیعه بن امام زین العابدین علیه السلام و سبب شهادت پیغمبیر علیه السلام -

* * *

مکتبہ علی مسعود

از تجربه خوارق پرستی علی صاحب مبارکی کتابخانه علمی اسلامی

نظامیں سیگل صین بیعت نہیں بیانیں لفظ صاحب مکتبہ علی مسعود

طبع مصادر طبع کتابخانہ طبع

۱۹۳۷ سال
۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

وَرَوْجِدَ حَضُورَتَ بَارِيَ تَعَالَى
بِالْوَاحِدِ الْعَالِمِ
أَنَّا لَهُ عَبْدٌ وَأَنَّهُ خَيْرٌ لِعِبَادٍ
عَلَى كُلِّ حَالٍ شَهِيدُين

کشاور مزربان اینام خدا	دلمکش چون باخن آشنا	غشیم زند نهاد رویاد	قهو سرو پر بوج سیمین خاد
عویس سخن را اخلى ساختم	بخدمش که دل بر اجلی ساختم	نوشتم بناش سن نیمه ا	بکانلند روان ساختم خامس
اسش نهادم بذکر خدا	چوین کاخ فمعت دم بنا	بخدمه اند کردم درست	که سخن از رو بخشت
پارندۀ زهره و شتری	مگارندۀ نقش دیو و پری	زین زمان و جان آفرید	خدائیکه انسان و جان آفرید
راخجم فروزان غوغوش بنا	رخ شام اساخت شکن پنجه	زخور شید خشان بمنوده	رخ روز رازم کافودا
علق ندو آسان بیستون	حکیمی که از حکمت کاف و نو	نگار و جبار خستن آفرید	نه عمر رآ اسمان آفرید
مجسم ندو آدم پاک زاد	زایی ز آتش ز خاک و زیاد	زین ابکسترو بالای آب	قدری که از قدرت بحسب
تمایل زور وی کشور فروز	ده زیور از خور بجا توں وز	دوشل ز خور شیده آفرید	نود از کرم رفه و شب پید
ز نور قمر و شنا فی و هر	گری زنگ شب اصفاقی ده	کش از شفعت غازه بروی	ز نورش منور کند آسان
ر صفت کششان کشان	بیلک شبان بر سرمان	بد لایمی عشق خش طرب	ز آخم کند و سمه برق شب
گشی او برق و گاهی گلاب	ز قدرت بیان و دار بحاب	نمایید ز آخم فروزان حیران	ز گلها و هدنق شست باغ
و پر زق بر خویش و بگاهه	برون آ در و خوشه از دانه	گه از خاک الماس پیدا کند	گه از آب گوهر میکند
ز ایاز و دانه اخوش آب	صف گرد و آبته اسحاب	ز آتش بیان در و آب را	چکمش سه چخ دولا بـا
ز خون ناده و زاف آن و ناد	قدیر که چون است قدر کش	گی لعل از نگ غارا کند	ز قظره که از شکار آند

<p>خو لاره و سبستان کنه کند مومن مر آهن سخت ز آب بیاتش ایان ترکن شود عرق فرعون بایتی نشاند خورشید بخت زم ده فردگان همچن راهیات بو شاندش هجری زنگ نایند حبلوه ملیل و نمار پقص در دسر و شادرا چ کوه په شست چ رفی غلک چ گرم و چ سر و چ خشک چ تر چ کاه چ کان چ هیم چ زر همه هر چ باشد ز بالا و پست شکری محاب است بتاش نیست ذانه تراکس بغیر از صفات توئی عادل و اقتدار نیکه شناکی که باشد سر اوار تو تر اخود پرستندگی می کنم یکی خواهیم و هم کی جوییت ایین بر کس فیت همای تو فانی صدوث و انت القدیم فاغفرلنا یا غفور رحیم سخن بزمان سکریزیکن خود را مین آشنایی کن</p>	<p>گهی آتشی راگستان کنه روان خان ز داند ره بخت یکی را بخیات ره بکند زند چوش گرچه قلیل نمیخ شاهی یکی راهی صبار افسوس بسوی بیت کلاه از سر بیسوانی ده بطحهان سیزد کند پر ده ز هر شاخه آور د پار را درسته بسوی همچن باور گهی سعل غشیدگی سیم ز چه چن چان و چه خود مک چ بان و چه بان خود په بخود چه چ پرگ چ شخ و چ منج چه چ منج و چ منگ چه چ منج و چ شام چیل نه یکانه خدایی که شاش نیست توئی آنکه خود را تو دافی نه تو دافی بخود آنچنان که تو نی زین مکان جهات آون بل احسی اقرار حق کرده خدای حیات و ماتم توئی کسی را شرکی نمی دانست بچشم غایت شو حیدری</p>	<p>بختن خشندگی تا جوخت ناید بصر نه دن پادشاه یکی را چشاند شراب همات بود ریایی تهرش ق آبرشور و گر اطعام از گل افی و هر ز پستان برمی بدو لین برویاند از فال اشجار را چمن او دن از گل خان بوزستان همچن سرمه چ خوش چ طیر چ دیو و چه چ ماقوت لعل و چه چ خور فراز نشی و جسته ای همار چ شخ و چ شاب و صفا و کبا خدای چاله خدایی ترست تلگهان آمین او ایان توئی بکل مرکن که نات آزین کسانیکه گوی سجن بروهند که حلال هر شکلاق قم توئی یکی دانم و هم کی خوانست هیچ فارم امید تا بگری و زنوبی کش خطاوی عظیم الکی ز پاهم گهر ریزکن بچشم دلم رشکلی بخشش</p>
<p>درسته جات بد رگا و حضرت واهی العطیات عزا سمه</p>	<p>زمان خود را صفائی بخیش بصیقل صفا سازنگ بخدا بصیقل شود سیقل بیغم</p>	<p>خیال مر اینما می گم بصیقل صفا سازنگ بخدا</p>

زاغام خود پروردی مرا زبان داده تا بخواهم ترا کفا پر بقدر و تسلیم تو چوستی کس با بفرایاد رس که درین دنیا شو محظت بینتاوه ام دست از اگر پیر چهار قصدوری بجان کرم نمکدار را از سرخون پیجم پدر که که ارم شفافی بخش صفای بخش و نگاری بده رسیدارم اید لاتقطوا زآدم صفتی تا بخیر بشه محمد قریشی رسول خدا علی ولی بحد علم و حیا حسن بنتی سرور حسن علی الحسین فضل الا ولیا امام زمان رسیده کنات علی ابن سعی امام جهان ایم عرب دوی محترم دلیل خدا نابشه هشت چار سفیدی بدرو رسیده هزا تو زنگ نانی بال طلاق در عقوبات شای بردوی ا میکن چاره ماکه چاره ام بینای عجیبی مکن شرمسار	چواز فضل خواز فرمی هر خود او و تاج اتم ترا زبان احتمال نظری کنم منم بکیم غیر تو نیست کنم نیکی بکن از کمال کرم گناه من عیش غرمه پر چه کمزوز دیایی فیض تو کرم خدایا بود نام پاکت کرم ز گنجینه خود را فی جیش گاهستان را بهاری پره چوغق گناه من ز چاپ سر بحق رسولان عالی سیر بحق شهنشاد ملک ها وصی بی کان جود و سخا بحق کل باغ رنج و محن با آن آدم پاک آل عجا بسلطانین چفتر پاکیات بحق سرافراز کون مکان بخوبی ماه برج هم آن جست پاک پروردگار که بخش از غایت گناه هزا بشقی گناه بآب ز لال نیکی بز جست بکن سوی گز فائز سمتگاره ام بال طلاق خود را جنم ابر آن	گذاشت مشتعل اهون دل دست و پا و قدم داده شنه رو ز تجیه گوید ترا کرد عیش پروردگار قصی زروزی ترجم پیازی بگاه بد رگا و تو خدا خواه آدم بد نیای عجیبی کنی نیکنام بعصیان من نهار قصور سرخ اکمیانی بود بیاورد خست مرادم بیار بیمشم غایات منظور دا که بشد شنا حق از صدقه زدن بحق امامان با احترام با آن سعد علم و فضل و کرم بجلدسته پاک خل قبول بآن علی نبیه مصطفی که بخش بو اکمل الکاملین غاییه الصلاوة و علیه السلام پسندین حبین داد حسن عسکری هراوح تیکیان امام زمان قاعده و تخت ز خدام و رگاه ایشان شمار خط عفور بکش بعصیان من چراغ دلم راضیایی بخش چکونه بزم حادجه بر دگر	پنکه خن هزار تخته اوسن سرخ هم گاو شش قله هم اوه دلی و ده که از شوق جوید ترا نمی بند هم گردگاره توئی که آورده ام دیباخت پناه اگر خندس هر گرگناه آدم عنده هر آزاد چشمی است ام چونا می شنیم هم سرخ هم خنور چونا می بند هم دلی بود بیان دلم آب لست بیا بهار هر از خزان و دار بحق خود حق که بکاف و دنون بحق اولیایی کاظم امام اعظم آن گوهر پاک و سخ اهم بجلدسته پاک خل قبول بآن حامل ظلم و جور جنا بآن باقر علم و زین شین بوسی کاظم امام اعظم بحق محمد حقی د جواد با آن کوه هدیت باز بجز وصی حسن عهدی معتقد ببشر مراد صرف بثیث پا سنور گن راه ایان من نمی بینا خود نوایی بخش چو محلج تر هست امی ادگر
---	--	--	---

<p>پرورد و نعم خاکی نست عروس سخن ای جمالی جمیش چه راغب رایت اتفاق تو ز آگردگی جمله پاکم کنی سایه هر دی نامم اشنا عشر بسیار باشد هر ارس باک دیمی نامه هم را بدست بین که بر پیش طاز خوش گندم مقام هم بزردا ماما مان وین بعال مقامی مقام هم جمیش محمد ارش از صدمه با دیر گنه سخشن و آمر زکارم تویی ز تائید قدرت تو مندان بشر عینی شاهد رحم سخشن بخلد بر نیش کنی یاد ری نامه شیل پراز کنج شد سلام علی فضل العالمین شفع از خلاقت بیوم القیام بر حش درود از خداوند با ز صحن خور سل متقطع نکان کرامات علی عظیم مودب تباویبین خدا سواد شب رکس گمیوی است تجل نیز و پارسیدان او کشیع ثبتان پغیر است</p>	<p>با یوب صبر هم شابقی فست بیعقوب خشم و حالی خش پنگاه فرع آیدم رو برو در آند هم که در زیرها کم کنی سوالی نمایند از سن اگر بوقتی که بر خیر هم از خاک آیک وران مجمع اهل مدقق شدن نظر کنی آند هم رضیم کرم زلطفت سخشنی بخلد برین خدای از نیان سه نامه هم سخشن چراغی که آفرود ختم از خسرو خدادند پروردگارم تویی کھل ساز در ویده منین بهان پر که خود را سپاهم شخ نهال اسیدم برو مند ساز بلک سخن آیه جا بهم سخشن خلاصی ز زمان رخیم بده</p>	<p>ز کذب در نوع وز حسد هم بخلد بر نیم برآتی بده روانه شوم سوی دار القراء وز شیطان نگهداریان من زبان را بنا مم تو گویا کنم که روضه شود وز لبخ جن بزیل واسے بنی الکریم کنی پله نیکوفی راگران جشنی گناهان من بی سخن همید رام اسید اتفاق تو بنزد بزرگان گرامی بکن کھل ساز در ویده منین بهان پر که خود را سپاهم شخ نهال اسیدم برو مند ساز بلک سخن آیه جا بهم سخشن خلاصی ز زمان رخیم بده</p>	<p>هر خود راست نایی ام باوریں فکر هم حیاتی بده چپاونی دولت از زن اخوا ز غسل خود هی و در تهن چود شکنایی محمد جا کنم فراخی بده قبر ما را چنان ستحاجی هراساز در روزیم چونجند اعمال من زمان اگری بدان چارده پاک تن چوردم من این نامه بز نامه تو بنام خود این نامه می بکن سواد طرازش حقش نگین تنایی اکرام دارم بتو ز گنجینه غیب نیم بده ترانیه گی میکند حیدری چونیزان طبیم گمنج شد همان پر که سازم در دوام رسول امین سراج نیر سلام من اند خیر اسلام اویب بتان سپیبی گفتان تو حیدر امبلی ز باغ نبوت گلی انتقام می بسپه عرب تماقنه ز دیوان و آمان دفتری چون خوشیه عالم نوانی گرفت</p>
<p>در نفت سید المرسلین ف خاتم الانبياء حضرت احمد مجتبی محمد بصفة صلی الله علیه و آله و سلم</p>	<p>بران سید پاک عالی مقام امام البرایاد میل الانام رفیق شفیقی بشیر نذیر علی من له العزا والآخرة زهی سید پاک عالی زاده رسول سوچون انس و پر ز کتب وجود جان مطلع چمن زار حیدر راستی ز بحر رسالت بوذریاب ز ربیع رسالت بوذریاب ز تورش جان شنی یافته ز کنجینه اش مهرمه گوهری بعلی خیش هر فرانی گفت</p>	<p>سلام علی سید المرسلین اماهم البرایاد میل الانام رفیق شفیقی بشیر نذیر زهی سید پاک عالی زاده علی من له العزا والآخرة رسول سوچون انس و پر ز کتب وجود جان مطلع چمن زار حیدر راستی ز بحر رسالت بوذریاب ز ربیع رسالت بوذریاب ز تورش جان شنی یافته ز کنجینه اش مهرمه گوهری بعلی خیش هر فرانی گفت</p>	<p>بران سید پاک عالی مقام اماهم البرایاد میل الانام رفیق شفیقی بشیر نذیر زهی سید پاک عالی زاده علی من له العزا والآخرة رسول سوچون انس و پر ز کتب وجود جان مطلع چمن زار حیدر راستی ز بحر رسالت بوذریاب ز ربیع رسالت بوذریاب ز تورش جان شنی یافته ز کنجینه اش مهرمه گوهری بعلی خیش هر فرانی گفت</p>

<p>بجان پسان دردار است بسته فرمانبری را کمر شده شن از جلوه احمدی ملائکه خدام درگاه او بو مخدش نازل بپریل زمانی غل کل ایجو بر شید منقش رویل خالی شین سما سایانی زکا شانه است زمین زمیں جلد مهان است چرخاند و محوب است شرائع همه شروع است شده سر آتشکده زمان زمغرب برآوردن خوشیده را غنى کشت از جودا و بحر و بر پروند بودت خدام آن برآرد از لفظ نفسی ندا علیه هصلو و علیهم سلام سوی مرقد پاک خیرانام بهیجه سیس لی حاجه فنا حاجه لی بقریه عذاب الیسم لاعدام گرامی تراز شهرها و شین گهرها زا خبم برآوند گرمشعل راه معراج بو دلش بو بیدار دریا و عن</p>	<p>کربسته برم بکار است چهوش و چهارچیجن و بشر چراغی بکاشانه ایزدی رسولانین از هوخواه بلاک جلالت امیر حسین بچشم شرفیش میل مجدد بود بر لال جمین بین بسیع رخش ما و پروانه است خودست بسته بفرمان است زاچاد کوئین طلوب است بنی اصل عالم همیش است برو اقا و نهجله بتان بین اخت آیین حمیشیده زنگنه کل و بار و دزوکه کلید و کن کون سکان در آن دم که پیشیه جناد از صیقل احمدی بچشم صاف ابیار امام فرستم کنوون هزاران سلام بو توصیه لیس لی طاقه اذا قل لولا بو توصیه در ذکر معراج حضرت سید کائنات مهمند موجودات علیه افضل الصلوات و اکمل المختفات</p>	<p>که گرد و بین شد هست که لال بازار و شتری لیست نونه بروجورت احد صور و احمد آیت است رسول خدا جلت استوا ز گنجینه خوشی لوالک را ستاده قدم را منوده زسر بپیش کمک شان ایتی کل و سبل لاله و میمین ز بیش شرفیافت بیت حکم بود ناخ ملت پای بقین در آمد بایوان کسری است کلاه کیو هشت از سرقه د زمین زمان در پا بشن نگر دو عالم بفرمان و دست است جلاد او از صیقل احمدی شفا بنت بایوان مخدوش بود شرب از مرقد شش تخر له رفعه العز و الاختخار شفا از لامراض عصیاننا ثواب کشیر لمو لاهه</p>	<p>ازان رو دو نیمه شده هست مراورابه آسان سرور چراخی است تا بند از نوزخ فلک خوزن هر چیزی است و میلی بعالم ز پروردگاره خداد آن منظر پاک را بایوان قدش قضا و قد زنور خوشی الضحی آیتی بپرش بود فرش و بین شده که از مولدش محترم نبی زمان سند آرامیین ز سیلا و آن سرور حق پ چو آین و تاج بر سر نهاد دول نه بهره و و سکا بشن نگر در آن دم که بحق شان ایش است دل مومنان از زنگ بدی لبش انتی انتی سرکنه بنت آسان زمین همراه قطوی لمون اربیت لمرا فاذ کاره ما با سکاننا شی از شبان سعادت قرن پ شبی نوزخش سخ صبح کا نمای سودش ز فرق فلک نبی بو آن شب بکار مگاهه</p>
<p>فروزانتر از صد هزاران نجات شبی و نیز فرازی منیج بود لبش بود جیان داد و اون</p>	<p>فلک شکر برسش نجات بیاض رخ خوریان ملک جهان داشت در سایه او پنهان</p>	<p>فروزانتر از صد هزاران نجات شبی و نیز فرازی منیج بود لبش بود جیان داد و اون</p>	<p>شی نوزخش سخ صبح کا نمای سودش ز فرق فلک نبی بو آن شب بکار مگاهه</p>

<p>دُه دویین بو آن دم بیال براقی شتابند بهر طلب سین گرد فر کنیل پن در زو هم خیال خلاق بروت بود از قد جمایی نیم کام باندی پشت پوچون بیست گذشتی ازین طارم بزرگ ز تائید حق تاج ببرش سر عرش کرسی هر فرگون پیشید از این الملائکت ا نطاق کرامت بگرد کسر جنبیت شش گشته مح الاین دوباره بیار و دوباره برفت فلک ق خوش بر پای او همی بود بر پشت اش سوا رسولان پیش و ملائکت پس هم صفت زده گرداد و شده شد و کشاں کنگش مطلع شد نوشته به پیش خاطبندگی بغزان بری بست صیغی کمر دوون رکابش این الملک بعض ششم کشته و نز فرا ز حل غرق ازیر پاپش ناد ز انجم طبقه ای ز رسیشار جد اما زان و جسیل این</p>	<p>ز هجرتی ناسی و احوال خدایش فرستاد و حیث شب سمش همچو این مش فرم تر پیتری ذرق جند قرون همه دوز راسی سیر خوار باهم قیاس خیال خود را گست چو همیز کرد وی بین جایی تند عنان جنبیت است بداند رش بر خلقه در که در وازن چو آن منظر خاص لطف خدا بیست از پی سیر بعد فر روان خدا گشت و پی از ار بچشمک دن جهان بگشت زیر بیت بیت المقدس رسید به پیش اندش جو بروان وان نشسته برآدم خوش تجیز ز بهشت ارسول زمان مه تو شد از شوق فعل قدم رسید صفت بسته خور و ملک شد ز هر ره قاصه بارگاه شد و قصناون برجه ران و ز تعیین و تاج انعام مافت شد از شوق خانه تری شتری نماده خطبندگی را گفت همه آسمان اپس اند خسته</p>	<p>بی خیر نفت آسان درست شبی محترم بواز روز عید ستور محبت ز روای ملک گذار رهش بزمین تکن بود ز نکن خیر بی تیسته تر دویت م بلکه کم هم ازین نمادی قبح م پیش از انتظار رسید آزمان بدرش بیل در خانه احبابی بزد ملائک همه انتظار تو از وضو ساخت آدم سول کیا رسول خدا گشت و پی از ار بچشمک دن جهان بگشت زیر بیت بیت المقدس رسید به پیش اندش جو بروان وان نشسته برآدم خوش تجیز ز بهشت ارسول زمان مه تو شد از شوق فعل قدم رسید صفت بسته خور و ملک شد ز هر ره قاصه بارگاه شد و قصناون برجه ران و ز تعیین و تاج انعام مافت شد از شوق خانه تری شتری نماده خطبندگی را گفت همه آسمان اپس اند خسته</p>	<p>در ان وقت حکم از جناب مجید بها و مبارک بوقت رسید غزالی سبک داشت فلک مراور اکه برچخ آهنگ بود ز سیر ملائک سبک خیر تر ز فرش میان برش بین نظر میکشادی چو بر بگزد فرخان از بارگاه طیل ز فرمان پروفگار صید که خاصان حق خانه را تو ز شوق ملاقات پروفگار پایید بر خویشتن اهور بیکدم زمه آسمان و گذشت قد و حون بسیر فلک برشید از انجا چور آسمان شد روان ز هری خسوار یکی برشیت نم گرفته بیت ون نقد جان بر خونکه برچخ اول علم چاقا و رسیش بدم فلک بچرخ سوم چون قادش بگاه خر از کشت لطف جهان و پای بیش بجهه ببره برم یافت چو دید آنچنان وچ پیشی ستاده کربسته جوز العصف بیک تا ختن ها گجا تا خسته</p>
--	--	--	---